



شیعیان قسم بود، و وجوهات جمع آوری شده را در سفرهای متعدد به حضور امام علیه السلام تقدیم می کرد. همچنین برای تحصیل علم و کمال از محضر پیشوایان معصوم، مسافرت‌هایی به سامرا و ناحیه حجاز داشته است.

از دیگر توفیقات احمد بن اسحاق این است که به جز امام یازدهم، به محضر سه امام دیگر نیز (امام جواد و امام هادی و حضرت مهدی علیه السلام) نایل آمده و معجزاتی را از آن بزرگواران مشاهده کرده و جواب نامه‌هایی از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداه (که اصطلاحاً توقیع گفته

احمد بن اسحاق قمی، عالمی جلیل‌القدر، فقیهی پرهیزگار و نماینده ویژه و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام در شهر قم بود. همچنین این محدث بزرگوار قرن سوم، یکی از چهره‌های درخشان شیعه است که در عصر خود مورد عنایت امام زمان خویش قرار گرفت.

افزون بر آن، او مرجعیت دینی ویژه‌ای نیز در قم داشت. حتی زمانی مسئولی اوقاف و روزگاری کارگزار پیشوای یازدهم شد. احمد بن اسحاق دوست خصوصی و محرم راز امام عسکری علیه السلام و رابط بین حضرت و

اسحاق، از اصحاب ائمه علیهم السلام و از محدثین بزرگ و مؤلفین برجسته بوده و از ائمه هدی علیهم السلام روایات بسیاری نقل کرده‌اند که در کتابهای معتبر حدیث از جمله در کتب اربعه به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup>

اجداد این مرد پرتلاش و ممتاز قمی در شهر کوفه سکونت داشتند و از طایفه مشهور و معروف اشعری بوده‌اند. جد چهارم احمد بن اسحاق، احوص بن سائل اشعری در سال ۱۲۱ ه.ق در قیام زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام شرکت کرد و فرماندهی سپاه او را بر عهده گرفت و بعد از شهادت زید، به همراه دیگر یاران آن شهید دستگیر شد. بعد از چهار سال حبس، در زندان حجاج، با شفاعت برادرش عبد الله آزاد شد و

۱. رجال شیخ طوسی، اصحاب امام عسکری علیه السلام، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۷؛ رجال نجاشی، ابو العباس نجاشی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۸، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

۲. همان.

۳. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۳۸ ش، ج ۲، ص ۴۱۳.

می‌شود) دریافت داشته است.<sup>۱</sup>

### عصر امام عسکری علیه السلام

برای شناخت شخصیت احمد بن اسحاق ناچاریم تأملی در عصری که وی در آن زندگی می‌کرد و فعالیت‌های حضرت عسکری علیه السلام داشته باشیم؛ چرا که حضرت مهم‌ترین تأثیر را در افکار و آرمان‌های وی داشت. آن حضرت با وجود سخت‌ترین تدابیر امنیتی و فشارهای سیاسی، از هیچ کوششی در راه انجام وظیفه خطیر امامت فروگذاری نمی‌کرد. از جمله فعالیت‌های آن حضرت می‌توان به تربیت انسان‌های کارآمد اشاره کرد.

امام علیه السلام با اقدامات سزوی، بین شیعیان مناطق مختلف ارتباط ایجاد می‌کرد و از طریق نمایندگان و سفرا و اعزام پیکها و نامه‌ها به آنان، در نگرهبانی از شریعت آسمانی می‌کوشید. شیخ طوسی رحمته الله در کتاب رجالش حدود صد نفر را نام می‌برد که با حضرت ارتباط داشته، از یاران و شاگردان برجسته‌اش محسوب می‌شدند که یکی از آنان احمد بن اسحاق است.<sup>۲</sup>

### از تبار پاکان

بسیاری از خویشاوندان احمد بن

است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ مادر آمیخته است.<sup>۳</sup>

### محرم راز حضرت عسکری علیه السلام

چنان که گفتیم، احمد بن اسحاق از نزدیک‌ترین یاران امام عسکری علیه السلام نیز محسوب می‌شد و با اینکه در شهر قم می‌زیست، علاقه‌اش به امام عسکری علیه السلام او را از قم به سامرا می‌کشانید. به این ترتیب، از دریای کمالات یازدهمین کوکب فروزان امامت توشه‌ها برگرفت. او به عنوان محرم اسرار امام از برخی رازها آگاه می‌شد که یکی از آنها خبر ولادت با سعادت حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) است که امام عسکری علیه السلام توسط پیک ویژه خویش، احمد را از تولد فرزندش آگاه ساخت. متن نامه حضرت که با دست خط مبارک خویش خطاب به احمد بن اسحاق نوشت، چنین است:

همراه او به قم هجرت کردند و طایفه بزرگ شیعیان اشعری را بنیان نهادند.<sup>۱</sup> پدرش؛ اسحاق بن عبد الله بن سعد از رویان مورد اعتماد و محدثان عادل قم بود. او به محضر امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام شرفیاب شد و از محفل الهی آن دو بزرگوار توشه برچید. بزرگان علم رجال از او به نیکی یاد کرده و به عدالتش تصریح نموده‌اند. احمد بن زید، محمد بن ابی عمیر، علی بن بزرج و افرادی دیگر از اسحاق - که تا قبل از سال ۱۸۳ هجری زنده بوده است - روایت نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### منزلت خاندان اشعری

برای شناخت این خاندان، به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کنیم. عیسی بن عبد الله قمی، یکی از افراد ممتاز خاندان اشعری، ملاقاتی با حضرت صادق علیه السلام داشت. امام بعد از استقبال گرم، میان دو چشم عیسی را بوسید و فرمود: «عیسی از ما اهل بیت است.» یکی از حاضران پرسید: عیسی از اهل قم است، چگونه می‌تواند از شما اهل بیت باشد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «عیسی بن عبد الله، مردی

۱. احمد بن اسحاق، امین امامت، ناصر باقری بیدهندی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵.

۲. معجم رجال الحديث، سید ابو القاسم خویی، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۷۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۲۱۲.

را خالی از حجت قرار نداده است و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت؛ حجتی که به واسطه او گرفتاریها را از اهل زمین دفع می‌کند و به سبب او باران نازل می‌شود و به میمنت وجود وی برکات نهفته در دل زمین را آشکار می‌سازد.»

احمد پرسید: یا ابن رسول الله! حجت خدا بعد از شما کیست؟ حضرت به درون خانه رفت و لحظه‌ای بعد کودکی سه ساله را که رخسارش همچون ماه شب چهارده می‌درخشید، در آغوش گرفته، بیرون آورد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر در نزد خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام مقامی والا نداشتی، فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم. این کودک هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و همین کودک است که زمین را بعد از آنکه از ظلم پر شد، پر از عدل خواهد کرد. ای احمد بن اسحاق! فرزندم همانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت و در زمان غیبت،

«فرزند ما متولد شد. باید آن را از دیگران پوشیده بداری؛ زیرا ما به جز دوستان نزدیک خویش کسی را از آن آگاه نکرده‌ایم و ما دوست داشتیم که به تو خبر دهیم تا خداوند تو را به وسیله این خبر خوشحال گرداند. همان طور که ما هم خوشحال شده‌ایم والسلام.»<sup>۱</sup>

#### دیدار مهدی موعود علیه‌السلام

در اثر اختناق سیاسی که از سوی حکمرانان عباسی اعمال می‌شد، موضوع جانشینی بعد از حضرت عسکری علیه‌السلام در هاله‌ای از ابهام قرار داشت و غیر از دوستان مورد اعتماد کسی از آن آگاه نبود. شیعیان در این باره از احمد بن اسحاق که نماینده حضرت بود، سؤالاتی کردند و او برای اینکه در این باره اطلاعات بیش تری کسب کند و جانشین حضرت را با چشم خود ببیند، عزم سفر کرد و در شهر سامرا به محضر حضرت عسکری علیه‌السلام شرفیاب شد. قبل از اینکه لب به سخن بگشاید و در مورد جانشین ایشان سؤال کند، امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! خداوند متعال از اول خلقت آدم تا امروز زمین

۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، نشر الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۵۱، ص ۱۶ و ۷۷.

تا از احمد بن اسحاق بپرسم؛ زیرا او بهترین همشهری من و نزدیکترین دوست امام حسن عسکری علیه السلام بود.

وقتی به دنبال او رفتم، معلوم شد به قصد سفر به سامرا از شهر خارج شده است. بی درنگ به راه افتادم، در بین راه او را ملاقات و علت دیدار را بیان کردم و گفتم طبق معمول پرسشهایی آورده‌ام که جواب بگیرم. وی در حالی که از این دیدار خوشحال بود، به من گفت: خوب شد آمدی، همراهم باش؛ زیرا من به شوق دیدار مولایمان حضرت عسکری علیه السلام به سامرا می‌روم و سؤالاتی در رابطه با تأویل و تنزیل قرآن دارم. با هم برویم و پاسخهایمان را از منبع وحی بگیریم؛ زیرا اگر به محضر آقا بررسی، با دریایی از شگفتیهای تمام ناشدنی و غرائب بی‌پایان روبرو خواهی شد.

وقتی وارد سامرا شدیم، مستقیماً به منزل امام عسکری علیه السلام رفتیم و بعد از کسب اجازه، یکی از خدمتگزاران ما را به داخل منزل راهنمایی کرد. وقتی

غیر از شیعیان ثابت قدم و دعاکنندگان در تعجیل فرجش، کسی اهل نجات نخواهد بود.

احمد از امام علیه السلام پرسید: سرورم! آیا نشانه‌ای هست که مطمئن شوم این کودک همان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود و گفت: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ آثَرًا بَعْدَ عَيْنِي يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؛ من آخرین حجت خدا بر روی زمین هستم و از دشمنان او انتقام خواهم گرفت. ای احمد! وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی، دیگر نشانه‌ای نخواه!»

احمد بن اسحاق از اینکه توانسته بود هم پاسخ سؤال خویش را دریافت کند و هم آخرین سفیر خداوند را مشاهده نماید، بسیار شاد شد. فردای همان روز با اشتیاقی افزون‌تر به دیدار امام عسکری علیه السلام شتافت و پاسخ بقیه سؤالات خویش را دریافت کرد.<sup>۱</sup>

### شوق وصال یار

سعد بن عبد الله اشعری، یکی از محدثین نامدار شیعه، می‌گوید: سؤالات زیادی را یادداشت کرده بودم

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۳.

سزاوار است دستهای پاکم را به این هدایای آلوده که حلال آن به حرامش مخلوط شده است، دراز کنم؟

امام علیه السلام به احمد فرمود: ای فرزند اسحاق! محتویات کیسه را خالی کن تا فرزندم (مهدی علیه السلام) حلال را از حرام جدا کند. احمد کیسه‌ها را یکی پس از دیگری بیرون آورد و آن کودک آنها را با نام صاحب سکه، محل سکونت صاحب آن، مقدار سکه‌ها، چگونگی به دست آوردن آن مال و علت حلال و حرام بودنش را مشخص فرمود. احمد که آنها را باز می‌کرد، همان‌طور می‌یافت که آن کودک فرموده بود، تا اینکه کیسه‌ها تمام شد....

امام عسکری علیه السلام فرمود: راست گفתי فرزندم! آن‌گاه حضرت خطاب به احمد گفت: ای پسر اسحاق! تمام این پولها را جمع کن و به صاحبانشان برگردان و یا سفارش کن به آنها برسانند. ما نیازی به آنها نداریم. فقط پارچه آن پیرزن را بیاور! احمد که آن پارچه را در خورجین جا گذاشته بود، خواست به بیرون از خانه برود و آن را بیاورد. امام عسکری علیه السلام رو به من کرد

وارد شدیم، صحنه‌ای دیدم که زیبایی‌اش را نمی‌توانم مجسم کنم. وقتی چشمم به جمال دل‌آرای حضرت عسکری علیه السلام افتاد، مشاهده کردم که رخسارش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید و کودکی روی زانویش نشسته بود که در شکل و زیبایی به سیاره مشتری شباهت داشت. موی سرش از دو سسو تا بناگوش می‌رسید و میان آن باز بود، مانند الفی که در بین دو واو قرار گیرد. به حضرت سلام کردیم. آقا که مشغول نوشتن نامه بود، با مهربانی جواب فرمود و ما را به حضور پذیرفت.

در ادامه این دیدار، احمد بن اسحاق امانتهای ارسالی را که شامل صد و شصت کیسه درهم و دینار مهور به نام صاحبانشان بود و در داخل یک کیسه بزرگ قرار داشت، به محضر حضرت تقدیم کرد. امام عسکری علیه السلام رو به کودک کرد و فرمود: فرزندم! هدایای دوستان و شیعیانت را تحویل بگیر! کودک لب به سخن گشود، عرضه داشت: آقای من! آیا

می خواند.<sup>۱</sup>

### عنایت ویژه امام به احمد

احمد بن اسحاق می گوید: روزی در یکی از ملاقاتها به خدمت حضرت ابی محمد امام عسکری علیه السلام رسیدم و درخواست کردم چیزی بنویسد که من خطش را ببینم تا هر وقت دیدم، بشناسم. فرمود: بسیار خوب، سپس فرمود: ای احمد! خط با قلم درشت و ریز در نظرت مختلف می نماید. مبادا به شک افتی! (اسلوب خط را ببین، نه ریز و درشتیش را!) آن گاه دوات طلبید و خط نوشت. وقتی می نوشت، با خود گفتم: تقاضا می کنم قلمی را که با آن می نویسد، به من ببخشد، چون از نوشتن فارغ شد، با من حرف می زد و تا مدتی قلم را با دستمالش پاک می کرد. سپس فرمود: بگیر، ای احمد! و قلم را به من داد.<sup>۲</sup>

### هدیه حضرت مهدی علیه السلام

محمد بن احمد قمی، نامه ای به ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام

و فرمود: ای سعد! تو برای چه آمده ای؟ عرض کردم: احمد مرا به زیارت شما تشویق کرد. حضرت فرمود: مسائلی را که می خواستی بپرسی، چه شد؟ گفتم: آقا! همچنان بدون جواب مانده اند. فرمود: از نور چشم من سؤال کن و به کودک خردسال اشاره نمود.

من سؤالهایم را مطرح کردم و جوابهای کافی را از او گرفتم، تا اینکه وقت نماز رسید. در این موقع، امام عسکری علیه السلام با فرزند گرامی اش برخاسته، آماده نماز شدند. من نیز از خدمت آنها اجازه گرفته، به دنبال احمد بن اسحاق رفتم. وقتی او را پیدا کردم، دیدم که گریه می کند. پرسیدم: چرا گریه می کنی؟ گفت: پارچه امانتی را که امام علیه السلام از من خواست، گم کرده ام. گفتم: ناراحت نشو، برو واقعیت را به حضرت بگو! او رفت و لحظه ای بعد در حالی که صلوات می فرستاد و شادی در صورتش موج می زد، برگشت. پرسیدم: چه شد؟ گفت: پارچه امانتی زیر پای امام پهن بود و حضرت روی آن نماز

۱. همان، ص ۸۰، ح ۱ (همراه با تلخیص).

۲. اصول کافی، با ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، نشر اسلامی، ص ۴۴۸، ح ۲۷.

این دانشمند فرزانه، علاوه بر چیره‌دستی در علم حدیث و احکام که مرجع خاص و عام بود و مردم برای حلّ مسائل دینی به او رو می‌آوردند، سفرهای متعددی به عراق و حجاز داشت که در این سفرها مسائل مختلف کلامی، علوم قرآنی و اطلاعات تاریخی را از ائمه آموخته بود و اطلاعات جامعی در این زمینه‌ها داشت.<sup>۲</sup>

موقعیت علمی و مرجعیتش مقبولیت همگانی داشت. روزی محمد بن ابی العلاء و یحیی بن محمد که از دانشمندان شیعه بودند، در بحث تاریخی اختلاف پیدا کردند و بعد از مجادله و بحثهای طولانی، تصمیم گرفتند برای حلّ مسئله و یافتن حقیقت به احمد بن اسحاق قمی - که از یاران برجسته امام دهم و یازدهم علیه السلام بود - مراجعه کنند.

آن دو به قم سفر کرده، به منزل احمد بن اسحاق رفتند. احمد پاسخ صحیح را به صورتی بیان کرد که آن دو

نوشت و در ضمن آن یادآور شد که احمد بن اسحاق قمی می‌خواهد همراه من به سفر حج بیاید و به هزار دینار نیازمند است. اگر صلاح می‌دانید، این مبلغ پول را به عنوان قرض به احمد بپردازم، تا پس از به جای آوردن مراسم و بازگشت به دیار خویش، قرضش را بپردازد. امام علیه السلام در جواب چنین مرقوم فرمود: این مبلغ را به عنوان هدیه به او می‌دهیم و پس از بازگشت از زیارت خانه خدا نیز مبلغ دیگری به او خواهیم داد.<sup>۱</sup>

### مقام علمی

احمد بن اسحاق افزون بر اینکه امین، وکیل و سفیر حضرت عسکری علیه السلام بود و بعد از ایشان نمایندگی امام زمان علیه السلام در شهر مقدس قم را بر عهده داشت، به عنوان یک محدث راستگو و مورد اعتماد دانشمندان امامیه مطرح و محسوب می‌شد. بنا بر نقل «معجم رجال الحدیث» او در سلسله اسناد ۶۷ روایت قرار گرفته است و روایاتش در کتب حدیث شیعه مثل کتب اربعه و «غیبت» شیخ طوسی نقل شده است.

۱. رجال نجاشی، ص ۴۶۶.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۶.



احمد بن اسحاق افزون بر اینکه امین، وکیل و سفیر حضرت عسکری علیه السلام بود و بعد از ایشان نمایندگی امام زمان علیه السلام در شهر مقدس قم را بر عهده داشت، به عنوان یک محدث راستگو و مورد اعتماد دانشمندان امامیه مطرح و محسوب می‌شد

#### شاگردان احمد بن اسحاق

۱. احمد بن ادریس قمی ملقب به ابو علی اشعری (متوفی؛ ۳۰۶ ه.ق): او سرآمد فقها و محدثان امین امامیه در نیمه دوم سده سوم هجری و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود که حضرت با عنوان «معلم» از وی یاد می‌کرد. کلینی و تلعبیری از شاگردان برجسته‌اش به شمار می‌آیند. نامش در سند بیش از

اظهار کردند: «حمد و شکر خداوند را که تو را در دسترس ما قرار داد!»  
روایتها و سؤال و جوابهای این محدث عالیقدر از حضور ائمه علیهم السلام به قدری اهمیت دارد که امروزه مدرک فقهی فقهای بزرگ شیعه محسوب می‌شود.

#### تالیفات

او نتیجه آموخته‌هایش از ائمه طاهرین علیهم السلام را در قالب کتابهای متعدد و در موضوعات مختلف جمع‌آوری کرد که به عنوان نمونه می‌توان به سه کتاب «علل الصوم»، «علل الصلوة» و «مسائل الرجال» اشاره کرد.

#### اساتید

احمد بن اسحاق علاوه بر اندوخته‌های علمی خویش از مکتب اهل بیت علیهم السلام، از دانشمندان عصرش نیز استفاده می‌کرد. وی از بسیاری از بزرگان، حدیث نقل کرده است، از جمله، عبد الله بن میمون، زکریا بن آدم، زکریا بن محمد، یاسر خادم و دیگر محدثین که در کتابهای معتبر شرح مفصل آن بیان شده است.

۵. سعد بن عبد الله اشعری: ابوالقاسم سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری، بزرگ فقهای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و معاصر با حضرت عسکری علیه السلام، عالمی مورد اعتماد و الامقام بود. در سلسله سند نزدیک به ۱۱۴۲ حدیث قرار دارد و چهل اثر از او به جا مانده است و از سی و هفت کتاب وی در اعیان الشیعه یاد شده است. «بصائر الدرجات» معروفترین نوشته سعد بن عبد الله به شمار می‌رود.<sup>۳</sup>

سهل بن زیاد آدمی رازی، عبد الله بن جعفر حمیری، عبد الله بن عامر اشعری، علی بن ابراهیم قمی، علی بن سلیمان زراری، محمد بن حسن فروخ صفار، محمد بن عبد الجبار قمی و محمد بن یحیی عطار قمی از دیگر شاگردان احمد هستند که در کتب معتبر به تفصیل از آنان یاد شده است.<sup>۴</sup>

#### شخصیت اجتماعی

احمد بن اسحاق، وکیل ائمه در شهر

دویست و هشتاد حدیث به چشم می‌خورد. معروفترین اثر احمد بن ادريس، کتاب «نوادر» است.<sup>۱</sup>

۲. احمد بن علی بن ابراهیم: وی از راویان مورد اعتماد بود و شیخ صدوق روایتهای فراوانی با استناد به او نقل کرده است.

۳. احمد بن محمد بن عیسی اشعری: وی نیز از فقیهان و محدثان نامدار قم بود و توفیق یافت که با امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام دیدار نماید. دانشمندان علم رجال نه تنها از وسعت اطلاع او و مهارتش در حدیث خبر می‌دهند، بلکه قداست نفس و عظمت روحش را می‌ستایند. نامش در سند بیش از دویست و بیست و نه حدیث قرار دارد. آثار فراوانی چون «التوحید»، «المتعة»، «فضل النسبی»، «فضائل العرب» و «کتاب المنسوخ» از احمد بن محمد به جا مانده است.<sup>۲</sup>

۴. حسین بن محمد اشعری قمی: بزرگان علم رجال او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. کتاب «نوادر» از اوست و کلینی روایات فراوانی را با استناد به وی نقل کرده است.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۷۷.

۴. احمد بن اسحاق، امین امامت، ص ۶۴.

مراسمهای مختلف همچون ایام اعتکاف مملو از انسانهای وارسته و خداجو می شود و از زمانهای گذشته تا به حال همیشه علمای بزرگ و متقی مانند آیه الله اراکی علیه السلام در این مسجد که شبستانهای متعدد دارد، امامت نموده اند. ایشان نمازهای جمعه را در این مسجد اقامه می فرمود که نگارنده نیز توفیق شرکت در آن را داشتم.

#### از دیدگاه امام زمان علیه السلام

حضرت ولی عصر علیه السلام در موارد گوناگونی این فقیه فرزانه را مورد عنایت ویژه قرار می داد. ابو محمد رازی می گوید: به اتفاق احمد بن ابی عبد الله برقی در محله عسکر بودیم<sup>۱</sup> که پیک ویژه حضرت امام زمان علیه السلام از طرف ایشان نزد ما آمد و بعد از اینکه چند نفر از یاران امام علیه السلام را نام برد، خطاب به ما گفت: حضرت می فرماید: همه این افراد و احمد بن اسحاق مورد اعتماد ما هستند. همچنین در نامه ای که از ناحیه مقدسه حضرت قائم علیه السلام به عنوان احمد بن

قم بود و تبلیغات دامنه داری در دفاع از اهل بیت علیهم السلام انجام می داد. وی پاسخگوی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجوهای آنان را جمع آوری می کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می رساند. در مورد موقوفات، اقدامات لازم را انجام می داد و برای اینکه فعالیتهايش را در کانونی متمرکز کند، به دستور امام، در قرن سوم ه. ق شروع به ساخت مسجد مهمی کرد که به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف است. این مسجد امروزه یکی از بناهای قدیمی به شمار می آید و سالهاست که شیعیان مخلص برای اقامه نماز، عزاداری و مراسمهای مذهبی و اجتماعی از آن استفاده می کنند.

ادیب الممالک فراهانی در قصیده ای طولانی این مسجد را توصیف کرده است که بخشی از ابیاتش چنین است:

ای فلک لاجورد، گر به زمین بنگری  
تن به تواضع دهی، سر به سجود آوری  
ور فلک آرد به طاق، مهر و مه اندر نطق  
کوفته بر این رواق، رایت پیغمبری

از حسن عسکری علیه السلام مانده به جا این بنا  
معنی ام القری، زاده شاه غری  
مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در

۱. عسکر، منطقه ای نظامی در شهر سامرا بود که امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در زمان زمامداران عباسی مجبور به سکونت در آن بودند.

خویش را همراه با کفن از حضرت ولی عصر علیه السلام دریافت کرد. شیخ ابو عمرو کشی می گوید: «ابو عبد الله بلخی، طی نامه ای که به من نوشت، از حسین بن روح قمی سخن به میان آورد و از جمله در آن نامه نوشته بود که حسین بن روح می گوید: احمد بن اسحاق نامه ای به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام نوشت و اجازه خواست که به حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه ای هم برایش فرستاد. احمد وقتی پارچه را دید، گفت: امام علیه السلام خبر مرگ مرا داده است و هنگام بازگشت از سفر حج در حلوان سر پل ذهاب درگذشت.<sup>۲</sup>

و به این ترتیب احمد بن اسحاق در حدود سالهای ۲۶۰ تا ۲۶۳ ه. ق در استان کرمانشاه دیده از جهان فرو بست. مقبره اش امروزه در شهر سر پل ذهاب به طرز شایسته ای ساخته شده و دارای گنبد و بارگاه است و زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می باشد. همچنین در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ همایشی در بزرگداشت آن بزرگمرد برگزار گردید.

۱. رجال کشی، محمد کشی، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه. ش، ص ۴۶۶، ش ۴۳۲.  
۲. رجال کشی، ص ۴۶۶.

**احمد بن اسحاق، وکیل ائمه در شهر قم بود و تبلیغات دامنه داری در دفاع از اهل بیت علیهم السلام انجام می داد. وی پاسخگوی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجوهات آنان را جمع آوری می کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می رساند.**

اسحاق صادر شد، عبارتی در تأیید وی به چشم می خورد، از جمله اینکه حضرت فرموده بود: خداوند نگهدار تو باشد و تو را پاینده بدارد! نامه ات به همراه ضمیمه اش به من رسید. ای احمد بن اسحاق! خدا تو را رحمت کند... خداوند توفیقات تو را افزون گرداند.<sup>۱</sup>

### سفر وصل

ستاره تابناک قم، بعد از یک عمر تلاش در راه احیای ارزشهای اسلامی و معنویات ائمه اطهار علیهم السلام، خیر رحلت